

مروری بر مبانی اخلاق پزشکی در کتاب قانون ابوعلی سینا

علی احسان حیدری^{۱*}، حسین کشاورز^۲، محمد نوری سپهر^۳

مقاله‌ی مروری

چکیده

از زمان شکل‌گیری علم پزشکی، اخلاق جزئی لاینفک از آن به‌شمار می‌آمده است؛ از این‌رو انتظار می‌رود ابن‌سینا پزشک سرآمد و مؤلف کتاب قانون در طب با اخلاق پزشکی مانوس بوده و در این عرصه، مبانی و اصول اخلاقی را مطرح کرده باشد. به منظور دستیابی به اطلاعات لازم در خصوص مبانی اخلاق پزشکی در کتاب قانون در طب این موضوع، در سه محور عملکرد پزشکی ابن‌سینا، پژوهش‌ها و نگرش فلسفی وی به اسلام و اصول اخلاقی آن مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات این مقاله از جست‌وجوی جلد‌های مختلف کتاب قانون و کتب و مقالات گوناگون نگاشته‌شده در زمینه‌ی اخلاق در پزشکی و ابن‌سینا به‌دست آمده است. در این کتاب ابن‌سینا اولین شرط لازم برای طبابت را آگاهی و تسلط پزشک بر علم طب و بخش‌های مختلف آن، اعم از تشخیص، درمان، پیش‌آگهی، پیشگیری و توان‌بخشی بیان کرده است تا از این طریق، آسیب و ضرری به بیمار نرسد. از نکات اخلاقی دیگر که در تألیف کتاب قانون مشهود است، استفاده از منابع علمی و اطلاعات موثق مختلف با ذکر منابع است. از سوی دیگر، این طبیب با اعتقاد قلبی به موازین اخلاقی و شرعی اسلام، در قبال حکیم مطلق و بندگان وی از جمله بیماران، احساس تعهد و مسؤلیت می‌کرده است. علیرغم عدم اختصاص بخشی از کتاب قانون به اخلاق پزشکی، متن و محتوای آن، سرشار از توصیه‌های اخلاقی و مطالبی است که انسان را محور اصلی فعالیت‌های پزشکی قرار داده است.

واژگان کلیدی: ابوعلی سینا، اخلاق پزشکی، قانون در طب

^۱ استادیار، گروه پاتوبیولوژی، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز

^۲ استاد، گروه انگل‌شناسی و قارچ‌شناسی، دانشکده‌ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۳ دانشیار، گروه بهداشت محیط، دانشکده‌ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی البرز

مقدمه

اخلاق طبق تعریف واژه‌نامه‌ی ویستر - مریام و دایره‌المعارف بریتانیکا به مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و قوانین درباره‌ی آنچه صحیح و غلط، بد و خوب است و آنچه که باید و نباید انجام پذیرد، اطلاق می‌شود (۱، ۲). این واژه هم‌چنین برای هر نوع نظام یا نظریه‌ی مربوط به اصول و موازین اخلاقی به‌کار می‌رود. اخلاق که از زمان‌های دیرین به‌مثابه‌ی شاخه‌ای از فلسفه به‌شمار می‌رفت، از زمان شکل‌گیری علم پزشکی، جزئی لاینفک از آن به‌شمار می‌آمده است. در ساده‌ترین وجه آن از پزشک انتظار می‌رفته که در مواجهه با بیمار، بهترین عملکرد را در درمان بیماری و جراحی داشته باشد و بیمار را در کانون توجه قرار دهد تا بیمار به علت بیماری، در حاشیه قرار نگیرد. در این حالت اخلاق پزشکی به‌مثابه‌ی پیمانی برای محور قرار دادن انسان، تمرکز بر روی بیمار و در اولویت دانستن بیمار، نسبت به بیماری است. بنابراین، در ارتباط بین پزشک و بیمار و به نوعی رویارویی وجدان (پزشک) با اعتماد و اطمینان (بیمار) انجام هر گونه رفتار از سوی پزشک مجاز نیست. چنان‌که Lachowsky ذکر کرده چگونگی این رویارویی با میزان آگاهی و نحوه‌ی رفتار پزشک ارتباط تنگاتنگ دارد (۳). از این‌رو، انتظار می‌رود ابن‌سینا پزشک سرآمد و مؤلف کتاب قانون در طب با اخلاق پزشکی مأنوس بوده و در این عرصه مبانی و اصول اخلاقی را مطرح کرده باشد. در علم پزشکی اخلاق زمینه و موضوعی است که لزوماً با وضع قوانین عمومی و تعیین شرح وظایف و قواعد اخلاقی تحقق نمی‌یابد، بلکه مجموعه‌ای از رمزها و پیام‌های نانوشته‌ای است که ممکن است در آینده به شکل قانون درآیند؛ بنابراین، انتظار از پزشکان دوره‌های بسیار دور که باید طبق کدها و قوانین و قواعد اخلاقی امروز عمل می‌کرده‌اند، بسی دور از انصاف و قضاوت علمی است. با عنایت به زمان و اقتضائات آن، از جمله دوره‌ای که به موضوع اخلاق پزشکی به‌شکل امروزی

نگاه نمی‌شده و شاید تجارب تلخ اخلاقی از جمله پژوهش غیراخلاقی نازی‌ها بر روی زندانیان و تعیین کدهای اخلاقی و تأسیس رشته‌ی اخلاق پزشکی در دانشگاه‌های معتبر جهان، اتفاق نیفتاده بود باید به بررسی اصول و موازین اخلاقی در آثار بزرگان و پیشروان علم پزشکی اسلامی و ایرانی از جمله ابن‌سینا پرداخت. مطالعات متعددی در باب اخلاق پزشکی در آثار بقراط، جالینوس و رازی انجام شده است، اما از این نظر کم‌تر به اثر پزشکی ابن‌سینا پرداخته شده است.

ابن‌سینا آثار زیادی را تألیف کرده که از معروف‌ترین و جامع‌ترین آن‌ها کتاب قانون در طب است که در پنج جلد تألیف شده و در هر مجلد آن فن‌ها و فصول متعددی، آرایش یافته‌اند. وی با بهره‌گیری از هوش سرشار و تجارب طبابت خود و آشنایی با طب گیاهی مصر و چین و با استفاده از میراث طب یونان، اسکندریه و انطاکیه به‌ویژه طب بقراط و جالینوس، به پژوهش‌های متعدد و تألیف کتاب قانون در طب به زبان علمی آن روزگار (عربی) پرداخت که ترجمه‌ی آن به زبان لاتین و سایر زبان‌های زنده‌ی دنیا تا قرن هجدهم در دانشگاه‌های معتبر جهان، از جمله مونپلیه و لوون تدریس می‌شده است (۴-۶). در این کتاب دایره‌المعارف‌گونه به مطالب مختلفی در باب اخلاق پزشکی اشاره شده است اما چون باب یا فصلی به این موضوع اختصاص داده نشده است برخی اثر ابن‌سینا را از نظر توجه به اخلاق پزشکی تهی یا ناچیز می‌دانند، لذا در این پژوهش، با ذکر شواهد و مستندات گوناگون مبانی اخلاق پزشکی در کتاب قانون در طب که قاعدتاً با اصول اخلاق پزشکی نوین تفاوت‌هایی دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش کار

اطلاعات این مقاله از بررسی جلد‌های مختلف کتاب قانون در طب و کتاب‌ها و مقالات گوناگون نگاشته شده در زمینه‌ی اخلاق در پزشکی و تاریخ پزشکی ایران و اسلام، به‌دست آمده است. پایگاه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی متعدد از

اخلاقی انجام داده است؟

از نظر ابن سینا اولین شرط طبابت، اشراف علمی و آگاهی از وضعیت بیمار و شناخت بیماری است؛ زیرا در غیر این صورت با مسامحه و دریافت اطلاعات ناقص، بیماری اصلی مکتوم باقی می ماند و با درمان نامناسب وضعیت بیمار رو به وخامت می گذارد و به نوعی به بیمار ضرر می رسد؛ برای مثال، وی در جلد اول، فصل بیست و ششم کتاب قانون درباره‌ی شکافتن بر این اعتقاد است که «کسی که اندام را شکاف می دهد، باید در تشریح اعصاب و ریه ها و شریان ها، معلومات کافی داشته باشد تا خطا نکند و بخشی را نبرد که بیمار را با مرگ روبه رو سازد» (۷). Lawson نیز در مقاله‌ی خود آگاهی و تسلط علمی را یکی از مبانی اخلاق پزشکی طب سنتی به شمار می آورد (۸).

ابن سینا دامنه‌ی علم طب را بسیار گسترده می داند و گوشزد می نماید که «پزشک باید درباره‌ی عناصر، مزاج ها، اخلاط، اندام های ساده و مرکب، روح و روان، قوای طبیعی، حیوانی و نفسانی، کنش ها، حالات تندرستی و بیماری، عوامل محیطی، مواد خوراکی و آشامیدنی و درمان، اطلاعات کامل و تسلط علمی و عملی داشته باشد و با توجه به اقتضای حرفه اش، به منظور حفظ بهبودی و معالجه‌ی رضایت بخش بیماری، باید برخی از این امور را به تنهایی، به تصور علمی خود، درک کند و به مشاهده‌ی خود چنین اعتقاد پیدا کند که نتیجه گیری وی از طرف یکی از علمای طبیعی، پذیرفته شده است و درباره‌ی برخی دیگر از این امور باید به وسیله‌ی حرفه‌ی خود، دلیلی بر وجود آن حالت داشته باشد» (۷).

ابن سینا تصمیم گیری طیب را بر پایه‌ی اطلاعات و مستندات کافی و بهره گیری از تجارب و منابع دیگران می داند و کاملاً به این موضوع اصرار می ورزد که اتخاذ روش درمانی صحیح در کل باید از آلام بیمار بکاهد و مزایای انتخاب آن بر خطرهای آن، فائق آید و درمان های کم خطرتر ترجیح داده شود. وی به طبیبان توصیه کرده که فقط در موارد ناگزیر، از روش های ملال آور استفاده کنند. در همین ارتباط در کتاب

جمله ، Ovid ، Springer ، Elsevier ، Magiran و موتورهای جست و جوی Google Scholar ، Pubmed و کتاب های مورخان و پزشکان ایرانی برای دستیابی به مقالات مرتبط با اخلاق و ابن سینا و آثار وی مورد استفاده قرار گرفتند.

بحث

برای قضاوت در خصوص میزان پایبندی ابن سینا به اصول اخلاقی و رعایت موازین اخلاقی و طرح آن ها در کتاب قانون در طب به سه محور عملکرد پزشکی ابن سینا، پژوهش های پزشکی وی و نگرش فلسفی و اعتقاد او به اسلام و اصول اخلاقی آن پرداخته شده است.

۱) **عملکرد پزشکی ابن سینا:** در این بخش آگاهی و تسلط پزشک به علم طب، احترام به حقوق بیماران، اتخاذ بهترین تصمیم پزشکی برای بیمار، نگاه جامع به علم پزشکی و بهره برداری از منابع و تجارب سایر پزشکان مورد بررسی قرار گرفته است.

براساس مرور منابع علمی ایران باستان و دوره ای که ابن سینا در آن می زیسته، اولین شرط لازم برای طبابت دانستن علم پزشکی و تسلط علمی بر بخش های مختلف آن اعم از تشخیص، بررسی، درمان، پیش آگهی، پیشگیری و توان بخشی بوده است. ابن سینا نیز در کتاب قانون به این امر، با نگاهی ژرف نگریده و در جلدهای مختلف و بخش های گوناگون کتاب قانون به این موضوع به عنوان اصل مسلم علم پزشکی پرداخته است. شاید بتوان گفت اولین اصل اخلاق پزشکی که از شقوق مختلفی برخوردار است، همین نکته باشد چرا که پزشک نا آشنا و غیر مسلط به علم طب به فرض رعایت سایر نکات و اصول اخلاقی از جمله اخذ رضایت آگاهانه از بیمار برای انجام عمل جراحی خاص، در اجرا به علت رساندن آسیب و افزودن درد دیگری بر آلام بیمار، کاری بس غیر اخلاقی انجام داده است، یا می توان این نکته را به شکل یک سؤال نیز مطرح کرد: آیا پزشکی که علم طب را به خوبی نیاموخته و نیازموده به شرط اخذ رضایت نامه از بیمار، کار

قانون جلد سوم، فن سوم در مورد درمان سنگ مثانه که باعث قطع ادرار شده، چنین آورده است: «اگر داروها مفید واقع نشدند و ناگزیر از دریدن و بریدن بود، باید کسی این کار را انجام دهد که به خوبی حالت و چگونگی مثانه را بشناسد این عمل در بدن، باعث رنج فراوان بیمار می‌شود، اما چاره چیست»، با تمام نکاتی که برای انجام شقه کردن ذکر کرده می‌نویسد: «با این همه من این عمل شق کردن را خطری بزرگ می‌دانم و هرگز آن را تجویز نمی‌کنم» (۷).

او در جلد اول قانون در خصوص درمان بموقع و عدم اهمال و سهل‌انگاری چنین آورده است: «در بیماری‌هایی که خطرناک است، تأخیر در مداوا یا تخفیف آن، روا داشتن عامل نابودی نیرو خواهد بود. در چنین وضعی نباید دست روی دست گذاشت، بلکه باید از همان اول به معالجات قوی پرداخت. در بیماری‌هایی که در آن‌ها بیم خطر نمی‌رود، می‌توان به تدریج از داروهای سبک به داروی قوی رسید. اگر داروی سبک، بهره‌ای نداشت، نباید از راه راست خارج شوی، زیرا تأثیر دارو را به خطر می‌اندازد و مبادا راه نادرستی بروی که زینش جبران‌پذیر نیست» (۷).

به منظور ایجاد اخلاق نیکو در کودکان ابن‌سینا در جلد اول فصل چهارم چنین می‌آورد: «باید بسیار مراقب بود که در اوان انتقال کودک به خردسالی، اخلاق و رفتار وی پسندیده و معتدل گردد. برای این منظور، نباید کاری کرد که کودک به خشم زیاد، ترس زیاد، اندوه و شب‌بیداری زیاد دچار شود، تا کودک از همان زمان طفولیت به اخلاق و رفتار نیکو خوی بگیرد» (۷). این موارد امروزه در طب کودکان از اصول انکارناپذیر اخلاقی به‌شمار می‌رود که افراد خانواده و پزشک در مواجهه با کودک، ملزم به رعایت آن‌ها هستند. ابن‌سینا در خصوص منع بارداری در فصل هفتم، مجلد سوم چنین آورده است: «در بعضی حالات، پزشک خود را ناگزیر می‌بیند که نگذارد زن باردار شود و دستور منع بارداری می‌دهد؛ مثلاً در مورد دختری کم‌سن‌وسال که ازدواج کرده، اگر باردار شود ممکن است سر زان ببرد» (۷). در اینجا ابن‌سینا پیشگیری از

بارداری را وظیفه‌ی اخلاقی پزشک می‌داند و او را مجاز می‌داند که به این امر اقدام نماید. در باب وظیفه‌ی پزشک بر بالین بیمار از ابن‌سینا نقل کرده‌اند که وی عقیده‌ی مخصوصی داشته و معتقد بوده که حالت و روحیه‌ی طبیب در درمان بیماری مریض بسیار مؤثر است؛ به این معنی که اگر طبیب بشاش و خندان باشد، در درمان بیمار تأثیر زیادی خواهد گذاشت (۹، ۴).

شیخ‌الرئیس در مجلد اول قانون، سلامت و بیماری را دو حالت تن آدمی برمی‌شمارد و بر کسانی که حالت سومی (نه تندرستی و نه بیماری) قائل‌اند، اشکال وارد می‌کند، اما در ادامه چنین می‌آورد: «بحث و مجادله در این زمینه شایسته نیست چه طبیب هرگز در این امر، به جدال نمی‌پردازد و این جدال برای علم طب، فایده‌ای ندارد و بحث و جدل برانزده‌ی حرفه‌ی غیرطبابت چون اصول علم منطقی است» (۷). بدین ترتیب ابن‌سینا با تأکید بر درمان بیمار به این امر اصرار می‌ورزد که پزشک باید به وظیفه‌ی انسانی و اخلاقی خود عمل کند و هر چیزی که می‌تواند در راه خدمت‌رسانی، نقش بازدارندگی داشته باشد، باید از نظر دور نگه داشته شود. ابن‌سینا در این سخنان، پزشکان را از پرداختن به موضوعات فرعی برحذر می‌دارد و توجه به امور اصلی را که همان درمان بیمار است، مطرح می‌کند؛ وی به جسم و روح اعتقاد داشت و بر این باور بود که روح و روان بر جسم تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، منشأ برخی بیماری‌ها را علت روحی و روانی می‌دانسته است، همان موضوعی که در طب امروزی به چشم می‌خورد.

او افراد دارای اختلالات روانی را بیمار می‌دانسته و با توصیه به آن‌ها برای توکل به خدا و امید به شفا از جانب او به معالجه‌ی این گروه از بیماران می‌پرداخته است. در کتاب قانون در طب سه فصل به اختلالات روان‌پزشکی اختصاص یافته است. وی جنون (دیوانگی) را نوعی اختلال ذهنی می‌داند که به علت جایگزینی وهم و خیال به جای واقعیت، رخ می‌دهد و قسمت میانی مغز را مرکز این اختلال معرفی

می‌کند (۱۱، ۱۰، ۷).

یاد کرده، هرچند ممکن است در برخی موارد با آراء آنها نیز موافق نباشد و آنها را نقد کرده باشد؛ برای مثال، در فصل تب عفونی خونی می‌نویسد: «جالینوس بر این عقیده است که تب خونی هرگز از عفونت خون پدید نمی‌آید، اما اگر خون متعفن شد، به ماده‌ی صفراوی تبدیل می‌شود و در این حالت، باید حالت تب را صفراوی دانست نه تب خونی. به عقیده‌ی جالینوس در اثر تب صفراوی کذایی که خون در اثر عفونت به صفرا تبدیل شده است، تب سوزان یا تب نوبه رخ می‌دهد که این اظهار نظر جالینوس بر خلاف نظریه‌ی بقراط و برخلاف حق و حساب اطباء است» (۷).

ابن‌سینا بهره‌گیری از منابع علمی و ذکر نام نویسندگان را در دوره‌ای به‌کار بسته که فرد محور علم بوده و به نوعی بحرالعلوم دوران خود تلقی می‌شده و عدم اشاره به منابع و اطباء و پژوهشگران دیگر شایع‌تر به‌نظر می‌رسیده، اما وی با وجود تسلط بر علوم و فنون مختلف فلسفه، حکمت، ریاضیات، نجوم، منطق، الهیات و پزشکی، خود را از مطالعه و بررسی آثار پیشینیان و طبیبان پیش از خود و هم معاصرانش بی‌نیاز نمی‌دانسته است (۱۲). حتی ابن‌سینا در هنگام بحث علمی در توضیح روش‌های معالجه‌ی بیماری‌ها به نظر طبیبان دیگر و عوارض و مزایای روش‌های آنها نیز اشاره می‌نماید.

۲) تحقیقات پزشکی: نکته‌ی اخلاقی بارز دیگر در

کتاب قانون، لزوم انجام پژوهش‌های متعدد و توجه به نتایج آنها در اتخاذ روش صحیح برای درمان بیمار است. در مبحث معرفی گیاهان دارویی در مجلد دوم قانون، ابن‌سینا بر پژوهش‌های گوناگون اصرار ورزیده و اصول هفت‌گانه‌ای را برای به‌کارگیری گیاهان دارویی معرفی کرده است.

شیخ‌الرئیس دو راه برای شناخت اثربخشی دارو معرفی می‌کند: راه اول مقایسه و روش دوم آزمایش. درباره‌ی انجام آزمایش‌های مختلف که امروزه بخش مهمی از تحقیقات بالینی را تشکیل می‌دهند، به‌کارگیری شرایطی را ضروری می‌داند. همین نگرش علمی ابن‌سینا به کارآزمایی داروها و

به این ترتیب، ابن‌سینا با برشمردن اختلالات روانی و شرح آن، برای این گروه از مبتلایان، ارزش انسانی قائل می‌شود و آنها را بیمار تلقی می‌نماید که باید مورد توجه و عنایت ویژه‌ی درمانی قرار گیرند.

نکته‌ی اخلاقی دیگر که در سراسر کتاب قانون مشهود است، استفاده از منابع علمی و اطلاعات موثق مختلف با ذکر منابع یا نام صاحب اثر است. ابن‌سینا از پزشکی یونان، طب دارویی چین، هند، مصر و ایران باستان به‌طرز مناسبی بهره برده و در هر جایی که لازم بوده به آنها اشاره کرده و حتی آنها را مورد نقد قرار داده است؛ بدین ترتیب، وی تلاش کرده گنجینه‌ی علمی مناسبی را برای بهره‌برداری طبیبان فراهم نماید و همین ویژگی برجسته‌ی کتاب قانون باعث شد تا سال‌ها و قرن‌ها در جایگاه مرجع درسی، برای آموزش طبیبان در دانشگاه‌های مختلف جهان به‌کار آید.

یکی از اصول اخلاقی که امروزه تبدیل به قانون شده و به شکل حفظ حقوق مؤلفان و مصنفان خودنمایی می‌کند، ذکر نام نویسنده یا منبع مورد استفاده در هنگام تألیف کتاب‌ها و مقالات علمی است. از دغدغه‌های مهم نویسندگان و تولیدکنندگان علم، استفاده از مطالب آنها بدون ذکر نام است که اکنون از چالش‌های مهم اخلاقی به‌شمار می‌رود و مقالات متعددی در این باب نگاشته شده و نرم‌افزارهای گوناگون برای یافتن موارد عدم رعایت این نکته‌ی اخلاقی طراحی و شکل گرفته است. استفاده از نظریات و مطالب سایر نویسندگان بدون ذکر نام از موارد بارز سرقت علمی^۱ و نوعی انگاره‌ی ضد اخلاقی به‌شمار می‌آید که ابن‌سینا در قرن چهارم هجری، علاوه بر اعتقاد به استناد به منابع معتبر، نکات اخلاقی در بهره‌برداری از آنها را به‌خاطر داشته و به شیوه‌ی ماهرانه‌ای آن را رعایت کرده است.

در صفحات مختلف قانون هر جا که از علم و طب یونانی نامی به میان آمده وی از پدیدآورندگان آن دانش نیز به احترام

^۱ Plagiarism

انجام برخی تجارب سبب شده که نظامی عروضی بگوید اگر جالینوس زنده بود در برابر عظمت علمی ابن سینا تعظیم می کرد (۱۳). سریل الگود، مورخ مشهور، بخش اعظم شهرت ابن سینا را مرهون کتاب قانون در طب می داند. وی می گوید احتیاط ایجاب می کند با آن دسته از نویسندگان که معتقدند این اثر بزرگ، حاصل آزمایش های دقیق و اندیشه و تأمل بسیار بوده همراهی کنیم» (۱۴). بدین ترتیب، وی به اعتقاد بسیاری از محققان توانست در رشد و تکامل علم پزشکی در جهان نقش مهمی ایفا نماید (۱۵).

در مورد اظهار نظر درباره عقاید طبی پیشینیان و نحوه اجرای پژوهش ها و نتیجه گیری از پاسخ های حاصل و عمل به آن ها ابن سینا در مجلد چهارم قانون نکاتی علمی و اخلاقی را در مبحث تب های نوبه به پزشکان چنین یادآوری می نماید: «طیب فرزانه اقلماً بایستی نسبت به جالینوس و بقراط خوش بین باشد و عقاید آن ها را بپذیرد که در این باره شرح و بسط مفصل داده اند. بایستی بیش تر فکر کند و آن گاه بر ضد عقاید پیشینیان قد علم کند. اگر در این قد علم کردن در مقابل پیشینیان و بر ضد آن ها ایستادن، حق داشت سخنش را می پذیریم، اما متأسفانه کم تر فکر کرده و به سرعت عقیده نامربوط خود را ابراز داشته است. به گمان من صاحب این رأی سخیف و نامربوط، آزمایش هایی کرده و نتیجه هایی به دست آورده و عقیده خود را بر نتیجه این آزمایش ها پی ریزی کرده است. ممکن است گاهی از یکی از این آزمایش ها چیزی به دست آورده باشد، در حالی که از همه آزمایش های دیگر هیچ چیزی را به دست نیاورده است. این هیچ پیدا نکردن صحیح است» (۷). هم چنان که مشهود است وی نتیجه گیری درست از پژوهش ها را مورد تأکید قرار می دهد و پژوهشگران را از دستکاری اطلاعات و نتیجه گیری ناقص که امروزه از موارد تقلب و عدم رعایت اخلاق در پژوهش به حساب می آید، برحذر می دارد.

بوعلی سینا در عین حال که قدر و منزلت پیشینیان علم پزشکی را به درستی ادا نموده است، انتقاداتی نیز به برخی از

اعمال آن ها وارد کرده است؛ از جمله در مجلد پنجم کتاب قانون در مبحث ترکیب داروها و اثر آن ها چنین می نویسد: «داروی ترکیبی تریاق فاروق از داروهای بسیار مهم و ارزشمند است. بهترین و صحیح ترین نسخه تریاق فاروق همان است که اندروماخس حکیم آن را برای ما به یادگار گذاشته است. بسیاری از اطباء و حتی جالینوس بارها خواسته اند که از تریاق فاروق چیزی کم کنند یا چیزی بر آن بیفزایند، که منظورشان از این دستکاری از روی ناچاری نبوده است. می دانی برای چه این دستکاری را کرده اند؟ تنها برای این که نام آن ها را در تاریخ ثبت کنند و بگویند در تریاق فاروق سازی دست داشته اند و لا غیر. خواسته اند نامشان چون نام آوازه اندروماخس که تریاق فاروق را ابتکار کرده است باشد. به عقیده من بهتر آن است که در چیزی که آزموده شده و بهره رسانی آن به اثبات رسیده است ابداً دست نزنند و بر آن چیزی نیفزایند و چیزی را کاهش ندهند» (۷). در این بیان ابن سینا بر احترام به اکتشاف و ابتکار آزموده شده ی دیگران تأکید و از دستکاری ها و اعمال نظرهای غیر ضروری که بعضاً با انگیزه های غیر اخلاقی طبیبان و محققان صورت می پذیرد، انتقاد شده است.

۳) نگرش فلسفی: در همه ی فرهنگ ها و در همه ی زمان ها اخلاق در بطن پزشکی وجود داشته و از این طریق اصولی برای راهنمایی پزشکان به منظور ارتباط با بیمار، همکاران و جامعه فراهم شده است (۱۶). علیرغم تغییرات قابل ملاحظه در اخلاق پزشکی از یک کشور به کشور دیگر، از مذهبی به مذهب دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر، اصول اخلاقی مشابه و در برخی موارد مشترک، در بین ملل مختلف، خودنمایی می کند. در بررسی آثار ابن سینا به ویژه کتاب شفا، المبدأ و المعاد و دانشنامه علایی این موضوع کاملاً مشهود است که وی به بقا و زیستن نفس پس از مرگ و آخرت اعتقاد راسخ دارد و هستی را خیر و کمال محض می داند که واجب الوجود به آن آگاهی دارد و هیچ چیز از نگاه و آگاهی او پنهان نیست (۱۹-۱۷). از این رو، در قبال حکیم

مطلق و بندگان آن از جمله بیماران احساس تعهد و مسؤولیت می‌کرده است. در دین مبین اسلام و قرآن کریم که خود ترسیم‌کننده‌ی نوعی روش زندگی است، اصول اخلاقی فراوانی ذکر شده که ابن‌سینا با توجه به این‌که از دانشمندان طراز اول طب و فلسفه اسلامی به‌شمار می‌آید، به آن التزام داشته و در انجام وظایف طبابت، آن‌ها را به کار می‌بسته است (۲۰). وی به ارتباط بین قوای روحانی و جسمانی معتقد بود و روح را پدیده‌ی غیرمادی می‌دانست که هم‌زمان با جسم تبلور می‌یابد اما پس از مرگ از جسم جدا می‌شود و به حیات خود در جهان ابدی ادامه می‌دهد و اگر اعمال فرد در جهان فانی مناسب و عالی بوده باشد، روح آن در بهشت جایگاه جاودانی خواهد داشت (۲۲، ۲۱، ۱۷). با این اوصاف، در بررسی دیدگاه ابن‌سینا نسبت به اخلاق پزشکی علاوه بر اصول ذکرشده در قانون باید به اصول اخلاقی اسلام نیز توجه ویژه داشت. از این رو، ابن‌سینا که خود از پیشگامان فلسفه‌ی اسلامی بود که اخلاق نیز جزئی از آن تلقی می‌شده است می‌بایست در طب و طبابت، به اصول اخلاقی اسلام و شریعت پایبند بوده باشد؛ از سوی دیگر، پزشکی از حرف مقدس و مورد احترام بوده که افرادی عهده‌دار آن می‌شده‌اند که به فلسفه (از سوی دیگر علم اخلاق)، حکمت و علوم دینی و ادبی تسلط داشته و شرایط و استحقاق حرفه‌ی طبابت را که به‌نوعی فضیلت محسوب می‌شده احراز نموده باشند (۲۳-۲۵). ابن‌سینا نیز در زمینه‌های مختلف فلسفه‌ی اسلامی، اخلاق، حکمت و ریاضی فردی متبحر بوده است. او مباحث مختلفی را در باب انسانیت، جامعه، دانش و اخلاق مطرح کرده است (۲۱). از نظر وی مطابق با فقه اسلامی، پزشک در برابر اعمالی که انجام می‌دهد مسؤولیت شرعی و اخلاقی دارد و مختار نیست هر طوری که بخواهد با بیمار رفتار کند (۲۶).

می‌توان چنین برداشت کرد که با عنایت به اعتقادات عمیق وی به موازین و مبانی اخلاقی اسلام و قرآن و مقدس دانستن حرفه‌ی پزشکی، رعایت موازین اخلاقی را در رویارویی با بیمار از شروط لازم برای طبابت بر می‌شمرده است. در این خصوص، Kasymov اعتقاد دارد ابن‌سینا یکی از اولین افرادی است که تلاش موفقیت‌آمیزی برای گسترش بنیان‌های اخلاقی و معنوی پزشکی یا واژه‌ی مدرن اخلاق در پزشکی انجام داده است و کتاب قانون در طب از آثاری است که نمونه‌های فراوانی از موضوعات انسان‌دوستانه در آن به چشم می‌خورد (۲۷). در این قسمت به همین شرح بسنده می‌شود، چرا که پرداختن به مباحث اخلاق در اسلام و قرآن موضوع پژوهش‌های دیگری است که در این مقاله نمی‌گنجد.

نتیجه‌گیری

ابن‌سینا در کتاب قانون که به حق نوعی دایره‌المعارف پزشکی است، هر جایی که امکان داشته با اجرای روشی درمانی، انسان مورد آزار و رنجش قرار گیرد، به‌صراحت به موضوع اشاره نموده و نظر خود را درباره‌ی آن اعلام کرده است. از مباحث گوناگون در قانون در طب می‌توان چنین برداشت کرد که ابن‌سینا در برخورد با بیماران اصل را بر دانایی، آگاهی و تبحر پزشک بر شناخت و درمان بیماری، حفظ کرامت انسان به‌مثابه‌ی مخلوق خداوند و به کارگیری روشی شناخته‌شده و آزموده که کم‌ترین آسیب را به بیمار برساند، قرار داده است. علیرغم این‌که ابن‌سینا در کتاب قانون در طب بخشی را مستقیماً به کدها و پیام‌های اخلاقی اختصاص نداده است، اما اعتقاد وی به اسلام و باور این موضوع که پزشکی فضیلت است و پزشک باید مهارت و اطلاعات کافی در طبابت داشته باشد، به انحای مختلف به رعایت موازین اخلاقی اشاره کرده است. بدین‌سان متن و محتوای شاهکار نابغه‌ی شرق در پزشکی، سرشار از توصیه‌های اخلاقی و مطالبی است که انسان را محور اصلی فعالیت‌های پزشکی قرار می‌دهد و نکات اخلاقی فراوانی به پزشکان در باب رفتار با بیماران توصیه می‌کند.

با عنایت به حرکت سریع و جهت‌دار دانشمندان، استادان و دانشجویان کشور برای دستیابی به قله‌های رفیع علم و دانش نوین و لزوم توجه ویژه به اصول اخلاق پزشکی، جا دارد مبانی و اصول اخلاقی ذکرشده در آثار پزشکان سده‌های

گذشته را به طور دقیق تر جست و جو و بررسی و از این طریق، پلی بین اخلاق پزشکی سنتی و نوین برقرارشود تا با تکیه بر ریشه‌های محکم و استوار طب ایرانی و اسلامی، بتوان شاخه‌ها و جوانه‌های بیش‌تری را در عرصه‌ی علم و دانش گستراند و در موارد پیشرو و چالش‌برانگیز از آن‌ها به‌منابه‌ی مبانی راهگشا بهره جست.

منابع

- 1- Ethics. Merriam Webster online. Dictionary Merriam Webster Inc. 2012.
- 2- Ethics. Encyclopedia Britannica online. Encyclopedia Britannica Inc. 2012. <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/19402/3/ethics> (accessed in 2012)
- 3- Lachowsky M. Medical ethics. The patient-doctor relationship. Eur J Obstet Gynecol Reprod Biol 1999; 85: 81-83.
- ۴- نجم‌آبادی م. تاریخ طب در ایران پس از اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۵۳.
- 5- Azizi MH. The Otorhinolaryngologic concepts as viewed by Rhazes and Avicenna. Arch Iran Med 2007; 10(4): 552-5.
- 6- Cruse JM. History of Medicine: the metamorphosis of scientific medicine in the ever-present past. Am J Med Sci 1999; 318(3): 171-80.
- ۷- ابوعلی سینا. قانون در طب. ترجمه‌ی شرفکندی ع ر. تهران: انتشارات سروش؛ ۱۳۷۰، جلد یک تا جلد پنجم.
- 8- Lawson AD. What is medical ethics? Trends Anaesth Crit Care 2011; 1 (1): 3-6.
- ۹- زرگر م، خداپنده م، خاجی ع، کاربخش م. ابن سینا پزشک نابغه ایرانی. مجله طب و تزکیه ۱۳۸۶؛ سال شانزدهم: ۲۰-۲۷.
- 10- Youssef HA, Youssef FA. Evidence for the existence of schizophrenia in medieval Islamic society. Hist Psychiatr 1996; 7(25): 55-62.
- 11- Tabei SZ, Riazi A. Medical Sciences in the third millennium: an Avicennian approach. Int J Iran Red Crescent 2009; 11(1): 4-9.
- 12- Azizi MH. Ibn-Sina (980-1037A.D); the greatest oriental physician. Med J Iran Hosp 2000; 3 (1): 70-1.
- ۱۳- نظامی عروضی سمرقندی ا. چهار مقاله، چاپ دوازدهم. به اهتمام معین م. تهران: صدای معاصر؛ ۱۳۸۲.
- ۱۴- الگود س. تاریخ پزشکی ایران در سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه‌ی فرقانی ب. تهران: انتشارات امیر کبیر؛ ۱۳۷۱.
- ۱۵- جوادی م، عباسی م، ضیایی ح. اخلاق پزشکی و انتظار بیمار از پزشک. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا؛ ۱۳۸۶، جلد اول.
- 16- Williams JR. Medical ethics in contemporary

۲۳- لاریجانی ب، زاهدی ف، امامی رضوی س ح. تاریخچه اخلاق پزشکی در ایران. مجله دیابت و لیپید ایران ۱۳۸۵؛ دوره ۶ (شماره ۲): ۱۲۴-۱۱۳.

۲۴- حاتمی، ح، حاتمی م، رضازاده آذری م. سیری در مبانی اخلاق در پژوهش و اخلاق پزشکی در سیره نیاکان. مجله طب و تزکیه ۱۳۸۷؛ شماره ۶۹-۶۸: ۹۵-۸۲.

۲۵- تابعی س ض، پاسالار م، کیانی م. اخلاق پزشکی در خلاصه الحکمه. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۱۳۹۰؛ دوره ۴ (شماره ۴): ۳۰-۲۲.

26- Gordon D, Christensen L, Dayrit M, Dela F, Karle H, Mercer H. Educating health professionals: the Avicenna project. *Lancet* 2008; 371 (9617): 966-7.

27- Kasymov AL. Bioethics and elderly people in Avicenna's papers. *Lik Sprava* 2006; (5-6): 109-11.

clinical practice. *J Chin Med Assoc* 2005; 68(11): 495-9.

۱۷- ابوعلی سینا. الهیات از کتاب شفاء. ترجمه‌ی دادجو ا. تهران: انتشارات امیر کبیر؛ ۱۳۸۸.

۱۸- ابوعلی سینا. المبدأ و المعاد. به کوشش نورانی ع. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل؛ ۱۳۶۳.

۱۹- ابوعلی سینا. دانشنامه علایی. به کوشش معین م. همدان: دانشگاه بوعلی سینا و تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ ۱۳۸۳.

۲۰- اترک ح، اترک ش، ملبخشی م. تأثیر طب سنتی بر اخلاق اسلامی. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۱۳۸۹؛ دوره ۳ (شماره ۳): ۳۴-۲۴.

21- Naqib AR. Avicenna. *Int Bureau Educ* 1993; 23(1/2): 53-69.

22- Afifi RY. Biomedical research ethics: an Islamic view-part 1. *Int J Surg* 2007; 5(5): 292-6.

Review of medical ethics in Avicenna's book; Canon of Medicine

Ali Ehsan Heidari¹, Hossein Keshavarz², Mohammad Nouri Sepehr³

¹Assistant Professor, Department of Pathobiology, Faculty of Medicine, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran;

²Professor, Parasitology Department, School of Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran;

³Associate Professor, Environmental Health Engineering Department, School of Public Health, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran.

Abstract

Avicenna wrote many great books and articles such as Canon of Medicine which is his most important medical work. This study has been conducted in order to provide the necessary information on Avicenna's adherence to ethical principles and ethical norms in *Canon*. Three aspects including his medical practice, researches and philosophical attitude have been studied. Avicenna offers some valuable guidelines on the ethics in medicine in *Canon*. The first necessary condition for the practice of medicine is to comprehend medicine. Congruently, Avicenna emphasizes in his book that the doctor must be masterful. The use of scientific resources and valid information with citation to the references is one of the ethical subjects that are highlighted in this book. Avicenna has put much emphasis on ethical principles as a religious issue in medical practice. He believed in Islam and Islamic ethics and felt responsible toward God and his creations including humans.

Although in *Canon* there is no chapter specifically devoted to medical ethics, there are numerous ethical references that focus on humans as the main target of medical activities. It offers recommendations regarding ethical issues such as how to treat patients and minimize hazards. In brief, the book of *Canon* represents many humanistic ideas.

Keywords: Avicenna, medical ethics, Canon of Medicine

¹ Email: aliehsan2001@yahoo.com

